



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۲۰

احسان الله ارینزی

افریقا

(قسمت پنجاهوم)

Libya لیبیا

(قسمت دوم)

جغرافیای اقتصادی:

نظر اجمالی: اقتصاد لیبیا بالای صادرات تیل و گاز طبیعی تکیه دارد. نآرامی های سیاسی، پراکنده گی و جنگهای داخلی باعث شد تا تولیدات تیل و گاز و سایر سکتور های اقتصادی این کشور بعد از سال های 2014 – 2021 با رکود مواجه شود. ارزش پول ملی لیبیا نیز درین سالها پایین آمد و نرخ انفلاسیون بالا رفت.

کمبود انرژی برق درین سالها باعث رکود بخش های تولیدی اقتصاد گردیده است. برق بخاطری کم است که دیزل کافی به فابریکات مولد برق بطور منظم نمیرسد که در نتیجه این فابریکات یا کار نمیکند و یا با ظرفیت پایین کار میکنند. درین سالها حتی دسترسی به آب صحت آشامیدنی، خدمات طبی و امکانات رهایشی بهتر مشکل شده و مردم خیلی رنج میبرد. تولید تیل لیبیا در سال 2017 به مقایسه 5 سال گذشته (2011 – 2016) اندکی بهتر شده و روزانه به 879000 بیئرل رسید. این تولید اگرچه بمقایسه وقت های نورمال 1.6 ملیون بیئرل/روز بسیار کم است، باز هم باعث بهبود تولید ناخالص داخلی یا GDP شد.

بانک مرکزی لیبیا طی 5 سال گذشته، معاشات کل مامورین و کارمندان دولت قبلی و یکمقدار سببایدی بخاطر قیم تیل و چند قلم مواد خوراکه به مردم تادیه میکند. این تادیه در همان سال اول یا 2017 باعث 17% کسر در تولید ناخالص داخلی شد که تا حال با همان حالت دو رقمی ادامه دارد. عدم اعتماد مردم به بانکها بسیار کم است و در نتیجه بانکها قادر به تادیه قروض به مردم و سرمایه گذاران نیست تا تحرک اقتصادی پر رونق تر شود.

تولید ناخالص داخلی GDP: 91.16 بلیون \$ (2023).

رشد سالانه تولید ناخالص داخلی یا GDP: 10.16% (2023)، 7.4% (-) (2016) و 13% (-) (2015).

عاید سرانه سالانه: 12500 \$ (2023).

ساختار سکتوری تولید ناخالص داخلی: زراعت 1.8%، صنعت 77.3% و خدمات 25.4% (2023)

انفلاسیون: 2.1% (2024).

نیروی کار: 2.58 ملیون نفر (2024). زراعت 17%، صنعت 23% و خدمات 59% (2004).

نرخ بیکاری: 18.6% (2024).

زندگی زیر خط فقر: 33.3% (2020).

بودجه: عواید 28 بلیون \$ و مصارف 37.47 بلیون \$ (2019).

صنعت: استخراج و تصفیه تیل و گاز، مایع سازی گاز، مشتقات نفتی، مواد کیمیاوی، آهن و فولاد، المونیم، منسوجات، پروسس مواد خوراکی، اشیای استهلاکی، سمنت و سایر مواد ساختمانی، انرژی برق، تایر و تیوب، شیشه، قرطاسیه، سگرت، صابون، گوگرد و کارهای دستی.

رشد سالانه تولیدات صنعتی: 17.77% (2023).

تولید برق: 10.516 ملیون kW (2020). از تیل 100%

مصرف برق: 25.36 بلیون kWh (2019)،

واردات برق: 465 ملیون kWh،

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

تولید تیل خام: 1.25 ملیون بیرل - روز (2021)،
 صادرات تیل خام: 1.7 ملیون بیرل - روز (2018)،
 ذخیره تیل: 48.363 بلیون بیرل (اول جنوری - 2021)،
 تولید تیل پاک: 90000 بیرل - روز (2015)،
 مصرف تیل: 220000 بیرل - روز (2019)،
 صادرات تیل: 16880 بیرل - روز (2015)،
 واردات تیل: 168200 بیرل - روز،
 تولید گاز: 12.415 بلیون متر مکعب - سال (2020)،
 مصرف گاز: 7.67 بلیون متر مکعب - سال (2019)،
 صادرات: 4.441 بلیون متر مکعب - سال (2020)،
 واردات: صفر متر مکعب - سال (2021)،
 ذخیره گاز: 1.504 تریلیون متر مکعب (اول جنوری - 2021).

زراعت: 8.8% زمین های لیبیا قابل کشت اند که 1% تحت زرع بوده و 7.8% آن را چراگاه ها تشکیل میدهد. 0.1% زمین های لیبیا را جنگلات و 91.1% باقی مانده را کوه ها، دریاها، شهرها، مناطق کار و تولید و محلات بود و باش روستایی تشکیل میدهد. در سال 2012 موازی 4700km² زمین این کشور کشت میشود. 17% مردم این کشور در عرصه زراعت و جنگلداری مصروف کار اند و 1.3% تولید ناخالص داخلی ازین سکتور بدست می آید. گندم، جو، زیتون، خرما، تنباکو، انواع میوه ها (انگور، تربوز و ستروس)، سبزی، گوشت، لبنیات، تخم مرغ و علوفه از محصولات مهم زراعتی و مالداری این کشور به شمار میروند.

مالداری: از جمله 8.8% زمین های قابل زرع لیبیا، تنها 1% قابل کشت است و 7.8% آن را چراگاه ها دربر گرفته که قسمت اعظم آن در شمال این کشور موقعیت دارد. دولت لیبیا در ده سال حاکمیت معمراقذافی 10 ملیون هکتار زمین را برای کشت و زراعت آماده کرد. این زمین ها توسط یک دریا سیراب میگردد که بطور مصنوعی ساخته شده و با مصارف بسیار تکمیل گردیده است. دولت لیبیا در آن وقت امیدوار بود که سکتور مالداری بیشتر تقویت شده و چراگاه های تازه به کار تربیه و پرورش موادی کمک خواهد کرد. شتر در صحراها و اسب در مناطق شمال غرب این کشور تربیه میشوند. گاو شیری و گوشتی 150000، بز و گوسفند 6.5 ملیون، شتر 110000 با اسب، خر و قاطر 12000 و مرغ خانگی 15 ملیون قطعه و درین کشور هر سال بطور اوسط 50300 تن ماهی صید میشود.

معادن: تیل و گاز طبیعی، سنگ آهن، منگنیز، منیزیم، پوتاشیم، گچ و گوگرد.
 صادرات: به ارزش مجموعی 32.38 بلیون \$ (2021).

تیل خام، گاز طبیعی، گاز مایع، مشتقات تیلی، مواد کیمیایی، سمنت، گوگرد، پوست و سگرت.

شرکای بزرگ تجاری: ایتالیا 23%، جرمنی 15%، اسپانیا 9%، فرانسه 7% و چین 6% (2023)
 واردات: به ارزش مجموعی 25.40 بلیون \$ (2021).

فابریکات خورد و متوسط ماشین آلات، پرزه جات، اسلحه و مهمات، اشیای استهلاکی، وسایل برقی، کاغذ، ادویه و مواد طبی، مواد ساختمانی، وسایل درسی، آهن و فولاد، اموال نیمه ساخته ی صنعتی، تایر و تیوب، وسایل استخراج و پروسس تیل و سایر مواد معدنی، منسوجات و مواد خوراکی.

شرکای بزرگ تجاری: چین 17%، ترکیه 15%، ایتالیا 8%، امارات متحده عربی 8% و مصر 8% (2023)
 قروض خارجی: 3.02 بلیون \$ (31 دسمبر - 2017).

واحد پولی: دینار لیبیبایی Libyan Dinars.

یک دالر امریکایی = 5.42 دینار (30 جون 2025).

سال مالی: عیسوی.

سیستم وزنی: متریک و سنگ های محلی.

ترانسپورت: لیبیا 400km خط آهن، 37000km سرک (34000km پخته و 3000km خامه)، 3743km پایپ لاین برای انتقال گاز طبیعی، 882km برای انتقال تیل خام و 7005km برای انتقال تیل تصفیه شده و 94 کشتی تجاری (با ظرفیت 1000GRT یا بیشتر از آن) دارد.

2	General Cargo	کارگوی عمومی
12	Oil tanker	تانکر مواد نفتی
80	Others	سایر کشتی ها

میدانهای هوایی: مجموعاً 146 (2021)	پخته 68	خامه 78
رنوی طولیتر از 3047m	23	2
رنوی از 2438m تا 3047m	7	5
رنوی از 1524m تا 2437m	30	14
رنوی از 914m تا 1523m	7	37
رنوی کوتاه تر از 914m	1	20

میدان هلیکوپتر: 6 (2021).

Libyan Airlines شرکت دولتی خدمات هوایی ملکی لیبیا، به سرمایه دولت در سال 1964 در تریپولی تاسیس شد که در اول به پرواز های داخلی و منطقه می پرداخت. ولی بعداً به کمک تخنیکي ایرفرانس قادر به پرواز های بین المللی نیز شد. این شرکت در سال 1982 Libyan Arab Air Cargo را تاسیس نمود. که یک شرکت خدمات کارگو بود که بعد از روسیه و اوکراین سومین شرکت دارنده بزرگترین طیارات کارگوی Antonov.124 بود. این دو شرکت و چندین شرکت خصوصی مسافری، کارگو، چارتر و هلیکوپتر بعد از آغاز جنگهای داخلی و تلاش برای تصرف میادین هوایی خساره مند و بعضاً ورشکست شده اند.

در سال 2020 لیبیا دارای 9 شرکت خدمات هوایی ملکی بود که با 55 بال طیاره 927000 مسافر و NA، mt-km مال التجاره را جابجا نموده اند (2020). 2.07 میلیون موتر تیزرفتار، بس، لاری، تانکر و سایر وسایط نقلیه ساختمانی و معدنکاری.

بنادر: الخمس، بن غازی، درنه، توبروق، تریپولی، زوار Zewara، زلیتن Zliten، سیرت Sirte، شاهات Shahat، العقيله، مارس و میزرات.

مخابرات: کود تلفون (00218). تعداد تلفون دیجتل 1.21 و همراه 13.9 میلیون (2022). بی ثباتی و جنگهای ده سال گذشته، سیستم عصری مخابرات لیبیا را که در کشور های آفریقایی بی رقیب بود، شدیداً صدمه زد و بعضی از زیر بناها ویران گردید. این کشور برای ارتباط داخلی خود از مایکرویف، کواکسل کیبل، همراه و ماهواره استفاده میکند. لیبیا از راه کیبل زیر آب با ایتالیا و فرانسه و از راه مایکرویف با مصر و تونس ارتباط دارد.

در سال 2021 دولت مستقر در پایتخت لیبیا، قراردادی با یک شرکت مخابراتی ایالات متحده امریکا به امضا رسید که قرار است مطابق آن زیر ساخت های مخابراتی و تکنالوژی معلوماتی این کشور ترمیم و نوسازی شده و خدمات 5G و LTE نیز فراهم گردد. فعلاً این کشور هر 100 نفر 43 تلفون همراه دارند، در حالیکه پیش از جنگ هر نفر 2 - 3 تلفون همراه داشتند. رسانه ها: پیش از جنگ داخلی لیبیا یکی از بهترین سکتور های رسانه بی آفریقا داشت. در آن وقت 200 روزنامه و هفته نامه و دو هفته نامه (مجله و اخبار)، 200 چنل سراسری و محلی رادیو و 20 کانال تلویزیون داشت. شرکت رادیو تلویزیون لیبیا (LRTC) که در وقت معمر القذافی تاسیس شده بود، حالا هم مالک دو رادیوی سراسری و دو رادیو تلویزیون است که الوطنیه و الرسمیه نام دارند. تلویزیون های خصوصی فعلی به 4 و رادیو به 6 رسیده که همه نشرات FM دارند. مردم لیبیا برنامه های تلویزیونی Pan-Arab را نیز دیده میتوانند.

شرح وسایل انتشاراتی موجی در لیبیا (2021)			
مراکز نشرات رادیویی	AM=4 و FM=6	کل تعداد رادیو	1.37 میلیون
مراکز نشرات تلویزیونی	دولتی 3 خصوصی 4	کل تعداد TV	1.3 میلیون

کود انترنت: ly.

مشترکین انترنت: 6461263 نفر. %89 مردم (2019).

انکشاف اجتماعی: لیبیا بحساب تولید ناخالص داخلی و عاید سرانه سالانه، از ممالک ثروتمند و پیشرفته آفریقا و جهان به حساب می آید. به اساس معلومات CIA World Factbook - 2020 هر لیبیایی سالانه بطور متوسط \$ 12500 عاید دارد که یک رقم خوب در جهان شمرده میشود و حدود 22 - 27 بار بیشتر از عاید مردم افغانستان است. این عاید سرانه در سال 2018 حدود \$ 18000 و در وقت معمر القذافی بیشتر ازین بود.

%91 مردم لیبیا بالای 15 سال (مردان %96.7 و زنان %85.6) دارای تعلیمات متوسط، مسلکی و یا عالی هستند، تعلیم و تربیه برای اطفال و جوانان لیبیا در وقت معمر القذافی تا درجه دکتورا در داخل و خارج کشور رایگان بود. بعد از آغاز جنگ داخلی و برهم خوردن نظم اجتماعی این امکانات از بین رفته و تا حال سیاست جدیدی هم نافذ نشده است. تعلیم و تربیه برای اطفال 6 - 15 سال الزامی است و قبلاً کوچی ها مکاتب سیار داشتند که فعلاً

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

فعال نمیباشند. جوانان بطور متوسط 14 سال درس میخوانند، 96% اطفال واجد شرایط به مکاتب میروند، دولت NA% تولید ناخالص ملی را به امر انکشاف معارف و تحصیلات عالی اختصاص داده و سهم سکتور خصوصی در مجموع کم میباشد.

تعلیم و تربیه در لیبیا از کودستان آغاز میگردد، کودستان ها کودکان چهار ساله را می پذیرند و تا دو سال آنها را تربیه میکنند. بعد از آن دوره تعلیمات اولی آغاز میگردد که دارای سه مرحله میباشد و نه سال وقت را دربر میگیرد. درین 9 سال در 3 دوره متعلمین زبان و ادبیات عربی، زبان های فرانسوی و انگلیسی (یکی به انتخاب)، مضامین دینی، جامعه لیبیا، الجبر، علوم طبیعی، تاریخ، جغرافیه، جیولوجی، هنر های زیبا، موسیقی، فزیک و تکنالوژی می آموزند. سه سال اخیر این دوره در حقیقت دوره متوسط است که با اكمال آن یکعده به مکاتب فنی و مسلکی و مابقی به لیسه های ساینس و اجتماعیات تقسیم میشوند. در وقت معمر القذافی 49% مشمولین تعلیمات ابتداییه تا ختم لیسه ها دختران بوده اند.

در دوره لیسه که سه سال است و در دو بخش شاگردان را در رشته های اقتصاد، هنرهای زیبا و رسانه ها، بیولوژی، انجینیری، علوم اجتماعی و تربیه معلم تربیت مینماید.

لیبیا قبلاً 44 لیسه فنی و مسلکی داشت که جوانان در آن در رشته های الکترونیک، ماشینیری، نجاری، تعمیرات، مهندسی، زراعت، ماهیگیری، ترمیم و ساخت کشتی و امثالهم تدریس میشدند.

لیبیا 8 پوهنتون دولتی دارد که مهم ترین آن پوهنتون لیبیا در سال 1955 و دومی پوهنتون های بنغازی (Garyounis) و تریپولی (Al Fateh) در 1973 تاسیس شده اند که بخش های از آنها در 16 شهر مختلف کشور فعال میباشد.

□

شرح مراکز تعلیمی لیبیا (2016)			
نوع مرکز تعلیمی	تعداد مرکز	مجموع آموزنده	مجموع آموزگار
مکاتب ابتدایی	2160	130000	65000
مکاتب متوسطه	550	530000	16500
مکاتب فنی و مسلکی	44	72000	6500
تحصیلات عالی	8	40000	3500

لیبیا 4 روزنامه سراسری و 270 هفته نامه، ماهنامه و گاهنامه دارد. هر سال بطور متوسط 360 عنوان کتاب جدید علمی، هنری، ادبی، تخنیکی و معلوماتی نشر می شود و هر نفر سالانه بطور اوسط 0.6Kg کاغذ را برای نوشتن، خواندن و نشرات به مصرف میرساند.

موجودیت کتابخانه ها در لیبیا، به قرن ها و صدها سال گذشته بر میگردد، رومی ها و یونانی ها چند قرن پیش از امروز، نخستین کتابخانه ها را درین سرزمین افتتاح کرده بودند.

کتابخانه جغبوت در زمان حاکمیت رومی ها درین منطقه چهل هزار جلد کتاب داشت. کتابخانه ملی لیبیا در سال 1982 تاسیس گردیده و بعد از آن کتابخانه پوهنتون قاریونس نیز قابل یادآوری است که تعداد زیادی کتاب های قلمی، اسناد، مایکروفلم ها و بیشتر از 3000000 جلد کتاب دارد. علاوه بر آن صدها کتابخانه عمومی و پوهنتونی نیز در لیبیا وجود دارند که دروازه های شان به روی مردم باز است.

محیط زیست لیبیا بعلت جنگها و بی ثباتی و پراکنده گی 12 سال گذشته شدیداً صدمه دیده، قبلاً عرضه خدمات صحی خوب بود و فعلاً بیمه های وجود ندارد که برای نیازمندان کمک های در اوقات مریضی، بیکاری، پیری، معلولیت، تقاعد و مرگ فراهم کند.

دولت لیبیا 5.1% تولید ناخالص داخلی خود را به صحت مردم اختصاص داده، افزایش سالانه نفوس 1.65% است (2022) که در دنیا درجه پنجاه و هفتم را به خود اختصاص میدهد، در 1000 طفل نو تولد 11.22 نفر میمیرند که در دنیا یکصد و بیست و هشتم میشود، عمر وسطی مردم به 77.18 نزدیک شده، یک زن در کل عمر بطور وسطی 3.09 طفل بدنیا می آورد که در دنیا جایگاه چهل و ششم را دارد، 11.7% کودکان زیر پنج سالگی وزن کافی ندارد، NA% مردم به آب صحی آشامیدنی دسترسی دارند، NA% تشنابها صحی و عصری اند، حدود 9500 نفر با HIV/AIDS زندگی میکنند. هر سال بطور متوسط کمتر از 100 نفر بعلت این مریضی میمیرند و در 100000 نفر 49 نفر توبرکلوز دارند.

زنان در جامعه لیبیا و در خانواده ها جایگاه مهم و اثر گذار دارد و قبلاً در اردو نیز حضور داشتند. مردان لیبیا میتوانند به اجازه محکمه برای بار دوم ازدواج نمایند. مردم لیبیا مانند افغانها (ولور - طویانه) میگیرند.

لیبیا در وقت معمرالقذافی برای جوانان مراکز تعلیم و تربیه، ورزش، تفریح و مصروفیت های سالم داشت که در تربیت نسل جوان کشور بسیار سودمند بودند، متأسفانه جنگهای داخلی بسیاری از این امکانات را با خاک یکسان نموده است. در لیبیا به 5.5 نفر یک TV، به 4 نفر یک رادیو، به هر 20 متعلم دوره ابتداییه یک معلم، به 11 محصل یک استاد، به هر 4 نفر یک تلفون دیجتل، به هر 2.2 نفر یک تلفون همراه، به 500 نفر یک داکتر عمومی و به 312 نفر یک بستر شفاخانه میرسد، 100% مردم برق و 89% انترنت دارند.

قوای مسلح: لیبیا در زمان حاکمیت معمرالقذافی قوای دفاع زمینی، قوای هوایی، واحد های دافع هوا و قوای بحری داشت. دولت انتقالی در سال 2012 کار ایجاد قوای مسلح جدید کشور را آغاز کرد تا سربازان و افسران رژیم سابق و جوانان مسلح ضد قذافی را گرد هم آورده و در تشکیلات نظام عسکری جایجا کنند.

سن خدمت عسکری: 18 ساله، مدت خدمت 2 سال، داوطلب،

سهم مصارف عسکری در تولید ناخالص داخلی: %NA.

منازعات منطقی: سرحدات لیبیا با تونس بطور دقیق تثبیت نشده اند. لیبیا در شمال شرق الجزایر بالای 32000Km² و در شمال نایجیریا بالای زمین به مساحت کمتر از شرق الجزایر ادعای مالکیت دارد. در نقشه های لیبیا همان منطقه دعوی با الجزایر ملکیت این کشور حساب شده اند.

مواد مخدر: ندارد.

مهاجر: در حال حاضر 18300 مهاجر و پناهنده سودان، 15300 نفر از سوریه و 5000 اریتریبی در لیبیا زنده گی میکنند.

قاچاق انسانها: لیبیا پیش از جنگ آخرین کشور مقصد و ترانزیت برای آنعده زنان و مردان آسیا و افریقا بحساب می آمد که برای کارهای شاقه و تجارت جنسی استفاده میشدند. فعلاً تعداد زیادی خارجی ها به کار در لیبیا مصروف بودند.

درین میان یکعده از جنگ جویان شورای انتقالی لیبیا، کارگران کشور چاد را که در لیبیا کار میکردند بحیث دشمن میشناسند و آنها را ملیشه های حساب میکنند که برای معمرالقذافی می جنگیدند.

لیبیا طی چند دهه گذشته نتوانست که از قاچاق انسانی و رفت و آمد کارگران خارجی جلوگیری کند، زیرا قوانین و اقدامات دولت درین موارد قناعت بخش نبود و موثریت نداشت.

تاریخ: لیبیا کشور باستانی است و تاریخ کهن دارد. یونانیان قدیم به استثنای مصر سرتاسر افریقای شمالی را به نام لیبیا یاد میکردند و لیبیا نام مردم قبیله ای بود که حدود 2000 سال قبل از میلاد در بعضی مناطق لیبیای امروزی جایجا شده بودند.

کشتی های فنیقی ها حدود 1000 ق م، رفت و آمد بسوی مناطق سواحل غربی این کشور (طرابلس امروزی) را آغاز کرده و یک حکومت محلی در آنجا ایجاد کرده بودند. فنیقی ها در همان سال ها سه شهر یعنی طرابلس امروزی یا تریپولیتانیا، صبراته و لبده را در لیبیای امروزی اعمار کردند نموده و میخواستند که مردم مسکون غرب و شمال غرب روابط افریقا جارتی داشته باشند و همچنان با مردم سواحل لیبیا و تریپولیتانیا نیز روابط شان را توسعه بدهند. در حدود 630 ق م تعداد زیادی مهاجران یونانی بسوی مناطق ساحلی لیبیای امروزی و سیرنیکا رفته و زمین ها و دهکده های مردم را تصرف کردند. بعد از سپری شدن مدت زمان کوتاه، دست درازی آنها بیشتر شد و به استثنای طرابلس غربی، تا حد زیادی خاک لیبیا را تصرف کردند. بدین ترتیب پادشاهان یونانی بالای این سرزمین ها مسلط شدند و 1200 سال در آنجا زنده گی کردند. در قرن 4 ق م مصری ها به لیبیا حمله نموده و به استثنای طرابلس غربی این سرزمین را تصرف کردند. طرابلس غربی یا تریپولیس 2 قرن قبل از میلاد به ولایت تریپولیتانیای امپراطوری روم تبدیل شد.

در سال 96 ق م، رومی ها مناطق سیرناییک و فزان را نیز تصرف کردند.

در سال 67 ق م این مناطق و جزیره کرت بگونه مشترک، ولایت سیرناییک روم را تشکیل داد، اما با گذشت زمان کمتر سیرناییک از کرت جدا شد و نام لیبیای بالا یا لیبیای علیا بالای آن گذاشته شد. در سال 429 میلادی طرابلس غربی از سوی واندالیان تصرف گردید، واندالیان یک قوم وحشی بود که در مرحله اول مناطق ساحلی لیبیا را تصرف کرد و تا سال 535 درین جا زنده گی میکرد. واندالیان در سال 536 در برابر حملات دولت روم شکست خورد و طرابلس دوباره تحت کنترل رومی ها قرار گرفت. در قرن 7 که برابر بود با قرن اول هجری، در زمان خلافت حضرت عمر فاروق (رض) و بعد از آن در زمان خلافت امویان، مناطق سیرناییک و طرابلس غربی، از سوی سربازان دولت اسلامی تصرف گردید. در دوره های حاکمیت رومی ها و یونانی ها مناطق سیرنیکا و تریپولیتانیای لیبیا از هم جدا بود و هر کدام خصوصیات فرهنگی و برنامه های سیاسی جداگانه بی داشتند.

در جریان قرون اخیر، همسایه ها یا دولت های اروپایی به بعضی مناطق لیبیا دست درازی کردند و آنها را تصرف نمودند، اما در سال 1551 قسمت اعظم خاک این کشور، از سوی دولت عثمانی اشغال گردید. لیبیا که از استانبول مرکز امپراطوری عثمانی بسیار دور بود، به همین دلیل نسبت به سایر مناطق، خودمختاری بیشتری داشت. طرابلس غربی در سال 1714 آزاد شد و دولت عثمانی بخاطر بهتر ساختن تجارت بحری خود، آزادی را به طرابلس غربی اعطا نمود.

سربازان قوای بحری امریکا، طی نخستین سالهای قرن 19، در سواحل لیبیا پیاده شدند. در آن روزها امریکا ادعا میکرد که امنیت کشتی های تجارتي را تامین میکند و سربازان خود را بخاطر سرکوب دزدانی فرستاده که بالای کشتی ها حمله میکنند. عساکر امریکا در سال 1804 به طرابلس رسید و یک مرکز عمده نظامی در آنجا ایجاد کردند.

در سال 1837 یک گروه اخوان المسلمین بگونه پنهان از سوی محمد السنوسی در لیبیا تاسیس گردید که افراد آن بر ضد خلافت عثمانی مبارزه میکرد، اما با آنهم لیبیا تا اوایل قرن 20 تحت کنترل امپراطوری عثمانی قرار داشت. بعد از جنگ ایتالیا و دولت عثمانی طی سالهای 11 و 1912 لیبیای جدید بمیان آمد. در نتیجه این جنگ عساکر دولت عثمانی شکست خورد و لیبیا باوصف مقاومت شدید مردم این سرزمین، از سوی ایتالیایی ها تصرف گردید (1914). حملات عساکر ایتالیا بالای لیبیا نشاندهنده یک فصل خونین در تاریخ این کشور است که هزاران کشته بجا گذاشت، اما این قتل و کشتار نتوانست که به احساسات آزادی خواهی مردم زیان برساند، بلکه برعکس احساسات مردم با گذشت هر روز قوت بیشتر می یافت. در مرحله اول سلیمان البارونی رهبر آزادی خواهان بود، اما بعد از آن السنوسی نواسه محمد السنوسی به میدان آمد و مبارزه بر علیه ایتالیا را رهبری میکرد و بعد از آن عمرمختار بیرق آزادی را به اهتزاز درآورد.

عمرمختار یکی از قهرمانان و مبارزین راه آزادی افریقا بود که بر ضد ایتالیایی ها فعالیت میکرد، اما این قیام شکست خورد و ایتالیایی ها عمرمختار را به دار زدند (1931)، مرگ عمرمختار شعله آزادیخواهی را خاموش نه ساخت، احساسات آزادی خواهان باز هم قوت بیشتر می یافت و مبارزین با تاکتیک های جدید به میدان مبارزه می آمدند و می درخشیدند. بعد از جنگ جهانی اول تسلط ایتالیا در سرتاسر لیبیا کاهش یافت و ایتالیایی ها در مناطق سیرناییک و طرابلس غربی، جرگه های ولسی و محلی را پذیرفتند. اما در سایر نقاط حکومت های خودمختار بمیان آمده بودند. ایتالیا در ماه جنوری سال 1934 فزان، سیرناییک و طرابلس غربی را گردهم آورده و از آنها یک مستعمره ساخت. پنج سال بعد از آن لیبیا بحیث بخشی از ایتالیا، بنام لیبیای ایتالیایی Italian Libya اعلان گردید. متفقین در جنگ دوم جهانی شمال افریقا بدست آوردند و برتانوی ها محمد ادریس السنوسی رهبر اخوان المسلمین را بحیث رییس سیرناییک تعیین کرد.

طی سالهای 43 تا 1949 فرانسه و برتانیا بگونه مشترک این کشور را اداره میکردند؛ اما در سال 1949 در نتیجه اتحاد قسمت های فرانسه و برتانیا، لیبیای واحد بمیان آمد، ملل متحد وعده نمود که برای آزادی لیبیا مساعدت خواهد کرد، محمد ادریس السنوسی نام رهبر مذهبی این کشور را برای خود انتخاب کرد و اداره لیبیا باز به ایتالیا سپرده شد.

اندکی بعد به اساس تصمیم پیمان پاریس، نظامیان ایتالیا خاک لیبیا را تخلیه کرد و اداره این کشور به ملل متحد سپرده شد. ملل متحد روز 24 دسمبر سال 1951 استقلال لیبیا را، به حیث یک دولت شاهی فدرالی (فزان، سیرناییک و طرابلس غربی) اعلان کرد. رهبران لیبیا در آن زمان به امید بدست آوردن کمک های اقتصادی، به امریکا (1953) و برتانیا (1954) اجازه داد که در لیبیا پایگاه نظامی داشته باشند.

در سال 1959 نفت و گاز در لیبیا کشف گردید. اندکی بعد عواید لیبیا از درک صادرات تیل بگونه بی مانند افزایش یافت و پیشرفت اقتصاد سرعت بیشتری یافت.

روز اول سپتمبر 1969 دگرمن معمرالقذافی از راه کودتا به قدرت رسید و زمام امور را در دست گرفت. در آن روزها پادشاه لیبیا محمد ادریس السنوسی (ادریس اول) که برای معاینات صحتی به ترکیه رفته بود از وظیفه برکنار و افسران جوان نظام جمهوری سوسیالیستی را اعلان کردند که محمد سلیمان مغربی نخست وزیر آن بود. انقلابیون بانک ها و شرکت های بزرگ اقتصادی را ملی اعلان کرد و پیشتیبانی شان را از برنامه های مبارزین فلسطینی بر علیه اسرائیل نشان دادند. بعد از آن رژیم جدید دروازه های لیبیا را به روی امریکایی ها و برتانوی ها بسته نمود و نظامیان آنها در سال 1970 خاک لیبیا را تخلیه کردند.

قذافی در سال 1979 تاسیسات و ذخایر تیل لیبیا را ملی اعلان نمود و بخاطر بدست آوردن اسلحه ثقلیه و طیاره های جنگی به فرانسه و شوروی نزدیک شد. روابط لیبیا با کشورهای غربی به سردی گرایید، اما کشورهای سوسیالیستی شرق اروپا، سفارت خانه های شان را در پایتخت لیبیا باز کردند.

زمانیکه دولت مصر تحت رهبری انورالسادات، معاهده کمپ دیوید را با اسرائیل امضا کرد، لیبیا از مصر روگردان شد و روابط میان هر دو کشور تیره و تار گردید.

معمرالقذافی بخاطر کمک به دولت عیدی امین، در سال 1979 عساکر خود را به یوگندا فرستاد، اما کامیاب نشد و نتایج مثبتی بدست آورده نتوانست.

مشکلات میان لیبیا و امریکا در سال 1980 باز افزایش یافت و امریکا سفارت خود را در تریپولی بسته کرد. بعد از آن دروازه های لیبیا و مراکش نیز به روی همدگر بسته شد و روابط آنها هم برهم خورد. لیبیا در جنگ هشت ساله ایران و عراق از ایران پشتیبانی میکرد. در سال 1981 عساکر لیبیا بخاطر پشتیبانی از دولت گوگنی اودی وارد مناطق شمالی چاد شد، معمرالقذافی میخواست که از یک طرف به ذخایر معدنی چاد دسترسی پیدا کند و از

طرف دیگر در این کشور نقش کلان داشته باشد. اندکی بعد از آن دروازه های لیبیا به روی عربستان سعودی نیز بسته شد. شرکت امریکایی اکسون از کارهایش در لیبیا دست کشید و دولت لیبیا تصمیم گرفت که کارشناسان ایرانی جانشین امریکایی ها خواهند شود.

در ماه اگست 1981 دو طیاره لیبیایی، از سوی کشتی های امریکایی در خلیج سرت سرنگون و رونالد ریگان رییس جمهور امریکا معمر القذافی رهبر لیبیا را بحیث یک تروریست معرفی کرد.

در ماه جنوری سال 1986 لیبیا تحت فشار تعزیرات امریکا قرار گرفت. روز 14 اپریل طرابلس و بنغازی بمبارد شد که طی این حملات هوایی امریکایی ها، محل سکونت و بودیاش قذافی نیز نشانی شده بود. در نومبر 1991 امریکا و برتانیای بگونه مشترک، لیبیا را در حادثه انفجار یک طیاره پان امریکن متهم کردند، که در ناحیه لاکربی Lockerbie سکاتلند سقوط و 270 کشته بجا گذاشت.

در ماه جنوری 1992 لیبیا اطمینان داد که در تحقیقات ملل متحد در مورد حادثه لاکربی همکاری خواهد کرد، در همین وقت ملل متحد از لیبیا خواست که دو نفر لیبیایی متهم را به محکمه حاضر نماید و چون لیبیا این درخواست را نپذیرفت، ملل متحد نیز لیبیا را تحت فشارها و تعزیرات بیشتر قرارداد. معمر القذافی بعد از دو سال فشار در اول قبول کرد که این دو نفر را به محکمه بین المللی عدالت حاضر خواهد نمود، اما بعد از آن تصمیم گرفت که آنها باید در یک کشور بیطرف محاکمه شوند.

در اکتوبر 1997 نیلسن ماندیلا رییس جمهور افریقای جنوبی به لیبیا رفت و از لیبیا و ملل متحد خواست که او را بحیث میانجی بپذیرند. ماندیلا از ملل متحد تقاضا نمود تا از شدت تعزیرات خود بکاهد. تقاضای که از سوی سازمان ملل متحد پذیرفته نشد.

محکمه بین المللی عدالت در مارچ سال 1998 فیصله نمود که تعزیرات بالای لیبیا به پایان رسیده و امریکا و برتانیای نیز قبول کردند که دو نفر لیبیایی متهم، از سوی یک قاضی سکاتلندی و مطابق و مطابق قوانین سکاتلند در لاهه محاکمه شوند. لیبیا این درخواست را در مارچ 1999 قبول کرد. بعد از آن یک سلسله قیودات ملل متحد بالای لیبیا از میان برداشته شد و سفارت خانه برتانیای در طرابلس بعد از 15 سال باز شد. بدنبال این همه تحولات، یک هیات امریکایی در مارچ سال 2000 به لیبیا رفت تا درباره امریکا بالای این کشور بحث کند.

محکمه لاهه بعد از 84 روز تحقیق یک لیبیایی را تبرئه نموده و دومی را به حبس عمری محکوم کرد. بعد از این فیصله باز هم امریکا و برتانیای در مورد از میان برداشتن تمام تعزیرات ملل متحد بالای لیبیا مخالفت های داشتند. بعد از حملات 11 سپتمبر یک هیات امریکا و برتانیای با نماینده گان لیبیا در لندن ملاقات نموده و درباره جلوگیری از حملات تروریستی بحث کردند.

معمر القذافی رهبر لیبیا در سال 2003 مسوولیت حادثه لاکربی را پذیرفت، کار ساختن اسلحه کشتار جمعی را متوقف ساخت و فعالیت های تروریستی و هراس افگنی را محکوم کرد.

بعد از آن روابط میان لیبیا و دنیای غرب بهبود یافت، تعزیرات باقیمانده امریکا و ملل متحد لغو شد و امریکا نام لیبیا را از لستی بیرون کرد که درباره دولت های حامی تروریسم ترتیب و تنظیم شده بود (جون 2006) در ماه اگست 2008 امریکا و لیبیا موافقتنامه دادن غرامت به اتباع یک دیگر را امضا کرد و به این ترتیب راه برای دادن توان به خانواده های امریکایی باز شد که در حادثه لاکربی کشته شده بودند.

دو ماه بعد لیبیا به امریکایی ها 1.5 بلیون دالر تاوان پرداخت و به این ترتیب منازعه طولانی میان لیبیا و امریکا به پایان رسید و هر دو کشور سفرای خود را به مراکز یکدیگر فرستادند (جنوری 2009).

در می سال 2010 نماینده لیبیا بحیث عضو شورای حقوق بشری ملل متحد ملل متحد تعیین شد که اما با مخالفت یک تعداد NGO ها و فعالان حقوق بشری روبرو شد.

تظاهرات و راهپیمایی هایی که در ماه دسمبر سال 2010 از تونس آغاز شد و تا نخستین ماه های سال 2011 تحت نام بهار عرب تا مصر، یمن، بحرین و سوریه رسید، لیبیا را نیز متأثر ساخت و تظاهرات در همان روزهای نخست در چند شهر لیبیا آغاز گردید که الی 17 فبروری تمام مراکز شهری لیبیا را دربر گرفت و برای نخستین بار تشنج میان مردم و مسولین حکومت بمیان آمد. بعد از نخستین روزهای تشنج و بروز منازعات که مردم با حکومت دست به گریبان شده بودند، جنگ های داخلی آغاز را به میان آورد و مخالفان در مارچ سال 2011 شورای ملی انتقالی لیبیا را با این امیدواری بمیان آوردند، که به حاکمیت چهل سال معمر القذافی نقطه پایان بگذارند. درین میان حملات عساکر قذافی نیز بالای اعتراض کننده گان آغاز گردید و مخالفان هم در مقابل مسلح و مجهز شدند و به این ترتیب جنگ داخلی به شهرهای بنغازی، سرت، الزاویه و سایر مراکز شهری سرایت کرد.

درین میان شورای امنیت ملل متحد سرمایه ها و دارایی های خانواده معمر القذافی را منجمد ساخت، اعضای این خانواده بحیث مجرمین معرفی و به جامعه جهانی اجازه داده شد تا منطقه پرواز ممنوع بالای لیبیا را ایجاد نمایند.

بعد ازین تحولات حملات هوایی فرانسه، ایتالیا و یک تعداد کشورهای دیگر اروپایی بالای مراکز نظامی رژیم قذافی آغاز گردید و بالمقابل رژیم قذافی نیز با آوردن عساکر اجیر از چاد و سایر کشورهای منطقه به مقابله پرداخت و به این ترتیب آتش جنگ سرتاسر لیبیا را دربر گرفت.

در اگست 2011 افراد مسلح مخالف قذافی وارد تریپولی پایتخت لیبیا شده و زمام امور این کشور را در دست گرفتند. مجمع عمومی ملل متحد در اواسط ماه سپتامبر شورای ملی انتقالی یا NTC قانونی لیبیا را به رسمیت شناخت که روز 23 اکتوبر 2011 بطور رسمی اعلان موجودیت نموده و به پیروزی های بزرگ رسیده بود. در ماه جولای 2012 نخستین انتخابات بعد از تغییرات جدید در لیبیا برگزار و 200 عضو شورای ملی دوره انتقالی انتخاب شدند. در ماه اکتوبر رییس شورای ملی و نخست وزیر این کشور نیز انتخاب شدند. روز 4 می 2013 شورای ملی لیبیا فیصله نمود، که اعضای عالی رتبه رژیم قذافی در تشکیلات رژیم جدید کار کرده نمیتوانند.

در آن وقت تحلیلگران امور منطقه تشویش داشتند که در سال های قبلی، یک مقدار اسلحه از سلاح کوت های لیبیا غارت و به خارج از کشور منتقل گردیده است و ممکن در جنگ های ایدیالوژیک و منازعات داخلی نایجیریا، مالی، سوریه و سایر کشورهای منطقه استفاده گردد.

در ماه جون 2014 انتخابات شورای ملی قانونی دایر شد که تدویر جلسات آن، بعلت آغاز جنگهای دوباره در پایتخت، به شهر تو بروک Tobruk در شرق کشور انتقال یافت.

در سال 2015 ملل متحد بعد از میانجیگری طولانی بین احزاب سیاسی و گروپ های مسلح اجتماعی، متن یک موافقتنامه سیاسی را آماده نمود، که باعث ایجاد یک اداره اجرایی شد. متأسفانه این تشکیلات موفق نشد و دو حکومت علحیده در شرق و غرب لیبیا، کشور را عملاً به دو بخش جدا نمود. در سال 2018 جامعه بین المللی تلاشی را آغاز نمود، تا جلو تفرق و تلفات بیشتر گرفته شده و همه در کنفرانس سال آینده شرکت نمایند. این پلان وقتی ناکام شد که حکومت شرق تحت رهبری اردوی ملی لیبیا بر تریپولی حمله نمود. این حمله در سال 2020 عقب زده شد و یک آتش بس تحت سرپرستی ملل متحد آرامش نسبی را اعاده نمود.

در سال 2021 حکومت وفاق ملی به کوشش ملل متحد تشکیل شد. این حکومت وظیفه داشت تا وحدت لیبیا را تقویت نموده و زمینه را برای انتخابات شفاف و سراسری آماده سازد. قابل تذکر است که این حکومت اولین حکومت وفاق از سال 2014 بحساب میروید. در همین سال شورای ملی کشور که جدیداً انتخاب شده بود، انتخابات ریاست جمهوری را تا یک وقت نامعین به تعویق انداخت.

در سال 2022 اداره لیبیا تجدید شد و آقای فاتی باشاغا Fathi Bashagha بحیث نخست وزیر حلف وفاداری بجا آورد. اما بعضی حلقات با این انتخاب مخالفت نموده و برای ابقای نخست وزیر اسبق عبدالحمید دوبایبی تلاش نمودند که مرکز آن در تریپولی بود.

در سال 2023 اوسما حامد Osmo Hamid بجای باشاغا تعیین شد. فرستاده خاص ملل متحد برای لیبیا از همان وقت تلاش مینماید، تا مشکلات پیش آمده را از طرف مذاکره با طرفین حل و فصل نموده و همه را به حفظ وحدت ملی و داشتن یک دولت وفاق ملی در لیبیا تشویق نموده و از بروز دوباره و سه باره جنگهای داخلی جلوگیری نماید. روابط افغانستان با لیبیا: برای نخستین بار روابط سیاسی میان لیبیا و افغانستان در ماه اگست سال 1971 به سوبه سفارت های غیرمقیم برقرار گردید. در آن زمان سفیر کبیر افغانستان در قاهره سفیر غیرمقیم در طرابلس پایتخت لیبیا نیز بود. لیبیا دفتر نماینده گی سیاسی خود را در سال 1975، در وزیر اکبر خان مینه، کابل باز کرد، افغانستان نیز یک سال بعد از آن این کار را انجام داد و دفتر خود را در طرابلس باز کرد.

نخستین موافقتنامه همکاری فنی - مسلکی، اقتصادی و تجارتی میان لیبیا و افغانستان در سال 1977 (1355 هـ.ش) به امضا رسید. مرحوم محمد داوود رییس جمهور افغانستان، در آن سال از لیبیا، کویت و عربستان سعودی دیدن نمود و امیدوار بود که شاید کمک های اقتصادی از آنها به دست بیاورد، اما نتایج این مسافرت ها خوب نبود و یک کودتا بر علیه وی از سوی مخالفان برنامه ریزی شد نظام سرنگون گردید. بعد از آن طی سال هایی که جنگ میان دولت افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک و مخالفان مسلح (تنظیم ها) دوام داشت، لیبیا میزبان مذاکراتی بود که میان هر دو جانب متخاصم صورت میگرفت.

دروازه سفارت افغانستان در طرابلس، در سال 1996 بسته شد؛ اما بعد از ایجاد اداره موقت، تحت رهبری حامد کرزی دروازه سفارت لیبیا در کابل دوباره باز شد. در سال 2003 (1382 - 06 - 03) سفارت افغانستان در طرابلس دوباره فعال شد و آقای محمد ناطقی اعتبار نامه خود را به معمر القذافی رییس جمهور لیبیا سپرد.

دولت لیبیا در حال حاضر که درگیر تفرقه و حتی جنگ داخلی است، امارات اسلامی افغانستان را به رسمیت نمی شناسد و روابطی میان دو کشور وجود ندارد.